



نقش آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی ایران باستان و بازنمایی او در نمادهای بصری و باستان‌شناختی دوران ساسانی

علیرضا بابایی*

۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ باستان، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران. نویسنده مسئول: alirezab6262@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹	در فرهنگ ایران باستان، آب به عنوان سرچشمه حیات، همواره مورد احترام و قداست قرار داشته و ایزدانویی به نام آناهیتا نگرهبانی آن را بر عهده داشته است. آناهیتا که ایزدانوی آب‌های پاک، باروری و زایش بود، در باورهای دینی، آیین‌ها، و هنر دوره ساسانی جایگاه ویژه‌ای داشت. این مقاله با تمرکز بر نقش آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی به‌ویژه در پیوند با ساخت عروسک‌های آیینی، به بررسی بازنمایی او در متون مقدس و شواهد باستان‌شناختی می‌پردازد. روش تحقیق کیفی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده و داده‌ها با استفاده از منابع متون اوستایی، اسناد باستان‌شناختی، و مطالعات مردم‌نگارانه تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی در قالب عروسک‌هایی با هویت زنانه حضور می‌یابد که بازتابی از نقش او به عنوان واسطه‌ای میان انسان و نیروهای طبیعی است. این ارتباط در هنر ساسانی نیز با نمادهای بصری مرتبط با آب و باروری مانند کوزه، گل نیلوفر، انار، و پرندگان آبی بازتاب یافته است. این مقاله تلاشی است برای بازخوانی حضور معنادار آناهیتا در فرهنگ آیینی ایران و تبیین نقش او به عنوان نمادی از پیوند اسطوره، دین و زندگی روزمره.
واژگان کلیدی آناهیتا آیین‌های باران‌خواهی عروسک آیینی ایران باستان هنر ساسانی نمادهای بصری	

استناد: بابایی، علیرضا (۱۴۰۳). نقش آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی ایران باستان و بازنمایی او در نمادهای بصری و باستان‌شناختی دوران ساسانی. باستان‌شناسی ایران، ۱۴ (۲)، ۱۴۵-۱۶۲.

<https://doi.org/10.82101/AOI.2025.1198067>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه باستان‌شناسی ایران، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.



The Role of Anahita in Ancient Iranian Rainmaking Rituals and Her Representation in Sasanian Visual and Archaeological Symbols

Alireza Babayi oliai^{1*}

1. PhD Candidate, Department of Ancient History, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran. Corresponding Author: alirezab6262@gmail.com

Article Info

History

Received: Dec. 28, 2024

Accepted: March 09, 2025

Keywords

Anahita

rainmaking rituals

ritual doll

ancient Iran

Sasanian art

visual symbols

Abstract

In the cultural tradition of ancient Iran, water—regarded as the source of life—was held in deep reverence and sanctity, under the guardianship of the goddess Anahita. As the divinity of pure waters, fertility, and birth, Anahita occupied a prominent position in religious beliefs, rituals, and the art of the Sasanian period. Focusing on Anahita's role in rainmaking ceremonies—particularly in connection with the crafting of ritual dolls—this article examines her representation in sacred texts and archaeological evidence. The research adopts a qualitative, descriptive-analytical approach, utilizing data drawn from Avestan texts, archaeological records, and ethnographic studies. Findings reveal that in rainmaking rituals, Anahita is embodied through female-figured dolls, symbolizing her role as a mediator between humans and natural forces. This connection is equally evident in Sasanian art, where visual symbols associated with water and fertility—such as jars, lotus flowers, pomegranates, and aquatic birds—reflect her enduring presence. The study offers a reinterpretation of Anahita's meaningful role in Iran's ritual culture, elucidating her as a symbol linking myth, religion, and everyday life.

Citation: Babayi oliai, A. (2025). The Role of Anahita in Ancient Iranian Rainmaking Rituals and Her Representation in Sasanian Visual and Archaeological Symbols. *Archaeology of Iran*, 14(2), 145-162.

<https://doi.org/10.82101/AOI.2025.1198067>

© 2025 Authors, *Archaeology of Iran*, Journal of Islamic Azad University, Shushtar Branch.

مقدمه

در فرهنگ ایرانی، زن مظهر عاطفه و عشق، خلاقیت و باروری، پاکی و پاکدامنی است. از گذشته‌های دور، تشکیل و بنیان خانواده بر دوش زنان بوده است؛ مادرانی که با تلاش، فداکاری، تدبیر و آینده‌نگری و با عنایت و هدایت الهی، از مردان و فرزندان مراقبت کرده‌اند. نیروی عشق و محبت و کشف صدها مجسمه از کاوش‌های باستان‌شناسی در شوش، تپه سراب کرمانشاه، تورنگ‌تپه و دیگر نقاط ایران، و به دنبال آن پرستش الهه‌های باروری در طول تاریخ، بیانگر تجلیل و تکریم جایگاه زن بوده است. زنان، به‌عنوان نیروی سازنده و حیات‌بخش، همواره در باورهای نیک و مقدس تاریخی زنده مانده‌اند و این باورها هرگز زادگاه خود را فراموش نکرده، بلکه در دل و جان مردم پایدار بوده است. بزرگداشت ملکه‌ها، الهه‌ها، زنان مقدس از نسل ائمه و معصومین و صدها امامزاده در سرزمین ایران، نشانه تداوم احترام به زنان در بستر پاک و روشن تاریخ در طول هزاره‌ها و قرن‌هاست (آورزمانی، ۱۳۹۴: ۲۶).

زن از دیرباز در فرهنگ و تمدن ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشته است. پیش از تاریخ، در دوران مادرسالاری، و پس از آن در دوره‌های تاریخی به‌ویژه در عصر ساسانی، زن از منزلت بالایی برخوردار بود. آن‌هایتا و نقش زنان در قالب ملکه و بانوان درباری، با الگوپردازی از الهه باروری و نگهبان آب‌های پاک، جلوه‌گر می‌شد. در ایران باستان، نقش الهه آب بسیار مهم بود؛ چنان‌که دعا و توسل به آن‌هایتا به‌قدری قوی بود که پادشاهان ساسانی ناگزیر برای او قربانی می‌کردند و معابد عظیمی در ایران برایش می‌ساختند. آن‌هایتا الگویی بود که زنان، به‌ویژه ملکه‌ها، قدرت و عظمت خود را به‌عنوان ایزدبانوی پاک و مظهر آب از او می‌گرفتند و صفات نجابت، باروری، برکت، پاکی، زیبایی و تندرستی او به زنان ایران منتقل می‌شد. دعای آب و توسل به الهه آب چنان در فرهنگ ایرانیان ریشه داشت که در دوران اسلامی نیز ادامه یافت و نمونه‌های آن هنوز در زندگی روزمره و مراسم مذهبی دیده می‌شود. زنان، که بنیان‌گذاران خانواده و عامل قوام و پایداری آن بودند، همواره از احترام و کرامت فراوان برخوردار بودند. از گذشته‌های دور، زمانی که انسان‌ها پس از سرمای شدید از غارها بیرون آمدند، زنان پیشگام خانه‌سازی و محافظت از کودکان بودند. زنانی که چند فرزند داشتند و نخستین پناهگاه را با دستان خود ساختند. مردان و پسران بزرگ‌تر برای یافتن غذا – همچون میوه

درختان، ریشه‌ها و برگ گیاهان – به مناطق دور می‌رفتند. از آنجا که مادران به فاصله کوتاهی پس از تولد هر فرزند، فرزند دیگری به دنیا می‌آوردند، کودکان ناچار بودند از حدود دو سالگی روی پای خود بایستند و گروه را دنبال کنند، زیرا مادر فرزند دیگری را در آغوش داشت. در هنگام خانه‌سازی، کودکان بیشتر نزد مادر و خواهران بزرگ‌تر می‌مانند و همه تحت فرمان مادر بزرگ زندگی می‌کردند که او حاکم و پادشاه خانه بود (برگرفته از جنیدی، ۱۵۵-۱۳۹۲: ۱۵۶).

در دوران مادرسالاری، زنان از قدرت و نفوذ اجتماعی برخوردار بودند و پس از آن نیز مظهر پاکی، باروری و مقاومت باقی ماندند. با اشکانیان که از نژاد واحدی نبودند، فرهنگ و هنری ترکیبی شکل گرفت که نشانه‌های پرستش آن‌هایتا در آن آشکار است. حتی هنگامی که دین زرتشتی دین رسمی دربار شد و نقش اهورامزدا برجسته بود، خدایان آب و خورشید همچنان جایگاه خود را حفظ کردند. بازنمایی آن‌هایتا بر پایه شواهد باستان‌شناسی ارزشمند است، زیرا می‌توان آن را گنجینه‌ای از دانش و توانایی انسان دانست. الهه آن‌هایتا یکی از نمادهای میراث معنوی ایران و از ایزدان اسطوره‌ای ایران باستان است که پس از گذر قرن‌ها وارد دین شد و نقشی تأثیرگذار و پررنگ در متون تاریخی، مذهبی و هنرهای تجسمی ایفا کرد. اهمیت آن‌هایتا در فرهنگ ایرانی را می‌توان در تأثیر حضور معنوی او در اندیشه دینی مبتنی بر حفاظت از آب – به‌عنوان عنصر حیات، باروری و ضامن بقا – جست‌وجو کرد. این ایزدانو در برخی صحنه‌ها به‌عنوان حامی سلطنت و دارای جایگاهی روحانی و مقدس تصویر شده و گاه در عرصه سیاسی، همچون اعطای عشر، به‌عنوان الهه‌ای مقتدر ظاهر می‌شود و نقش خود را در سیاست تثبیت می‌کند (افخمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۶). در برخی صحنه‌ها، آن‌هایتا به‌شکل زنی نشسته یا ایستاده با حالتی نمادین به تصویر کشیده شده است. جایگاه این الهه در اساطیر، حاکمیت بر همه آب‌ها و نگهبانی از آن‌هاست. او نه‌تنها الهه تمام آب‌های روی زمین، بلکه منبع اقیانوس کیهانی نیز به شمار می‌آید. آن‌هایتا میراث معنوی ایرانی است که اهمیت آب را در قالب و بیان اسطوره‌ای در فلات ایران نشان می‌دهد و نمادی از سرمایه تاریخی و ارزش‌های فرهنگی این سرزمین است.

جامعه ایران باستان با اعتقاد به ارزش آب، پیوند عاطفی خود را با مهم‌ترین عنصر زندگی نشان می‌داد. قدمت، تداوم، بزرگداشت،

آگاهی کامل از باورهای اسطوره‌ای و مذهبی زمان خود، این نقوش را برگزیده‌اند.

شهبازی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مظاهر و کارکردهای آناهیتا، الهه زن در ایران باستان (مطالعه تقشماپه‌های ظروف زرین و سیمین ساسانی حاوی نقش این الهه)» نیز به همین نتیجه می‌رسند که اشیای موجود در دستان آناهیتا و نقوش گیاهی، انسانی و حیوانی در صحنه نمایش او، بازتاب‌دهنده اوصاف و کارکردهای وی است که در اوستا به تفصیل آمده و بیانگر آگاهی هنرمندان ساسانی از باورهای مذهبی و اسطوره‌ای روزگار خود است.

افخمی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناختی» به تحلیل تجسمی نقوش آناهیتا و توصیف فضاها و ترکیبات تصویری آن در هنر ادوار تاریخی ایران باستان پرداخته‌اند؛ از جمله مهرها، سکه‌ها، نقوش برجسته و ظروف فلزی در دوران ساسانی، و آن را با نمونه‌های حوزه‌های فرهنگی دیگر مقایسه کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آناهیتا بخشی از میراث معنوی ایرانی است که تنها از جنبه مادی از فرهنگ‌هایی چون بابل، فنیقیه، یونان و روم باستان تأثیر پذیرفته است.

مهرانفر در مقاله «نمایش تقدس الهه آناهیتا - ایزدبانوی آب در معبد بیشاپور» با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به بررسی آناهیتا، اعتقادات مربوط به آب در ایران باستان و معبد آناهیتا در بیشاپور پرداخته و بیان کرده است که «چرخه آب مرزها، رنگ‌ها و مذاهب را نمی‌شناسد و از قیود زمینی فراتر می‌رود و ابعاد آسمانی پیدا می‌کند.»

آورزمانی (۱۳۹۴) در مقاله «آناهیتا، الگوی زن ایرانی با تکیه بر فرهنگ و هنر ساسانی» نقش برجسته‌ها، سکه‌ها و مهرها، همچنین نقوش موجود بر ظروف، اشیاء و پارچه‌های باقی‌مانده از این دوره را بررسی کرده و آن‌ها را بازتاب‌دهنده تاریخ و فرهنگ سیاسی - مذهبی ساسانیان دانسته است.

رسولی (۱۳۹۱) در رساله دکتری با عنوان «آناهیتا در پارس؛ تحول مفاهیم، مناسک و سازمان دینی در عصر ساسانی» به آداب و رسوم ساسانیان و جایگاه آناهیتا در آن‌ها پرداخته است.

پورمند و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «ایزدبانوی آب آناهیتا» به بررسی و تحلیل معابد آناهیتا در کنگاور، بیشاپور و تخت سلیمان پرداخته‌اند.

شکوه اسطوره‌ای، و بار معنوی، مذهبی و نمادین آب، همگی در اسطوره آناهیتا تجلی می‌یابد. بازنمایی آناهیتا بر اساس شواهد باستان‌شناسی ارزشمند است، زیرا می‌توان آن را گنجینه‌ای از دانش و توانایی انسان دانست (حرم‌پناهی، ۱۳۸۱: ۱۲۲). در فرهنگ اسطوره‌ای ایران باستان، آناهیتا به‌عنوان ایزدبانوی آب، زایش، پاکی و باروری، جایگاهی بی‌بدیل دارد. او که در اوستا با عنوان «اردوی‌سور آناهیتا» معرفی شده، الهه‌ای است که آب‌های روان را نگهداری می‌کند و سرچشمه حیات، تندرستی و زاینده‌گی به شمار می‌آید (رضی، ۱۳۵۸). در بسیاری از آیین‌های مردمی مرتبط با کشاورزی و طلب باران، نمادهای مرتبط با آناهیتا حضوری پررنگ دارند؛ از جمله ساخت عروسک‌هایی با هویت زنانه که در مراسم باران‌خواهی به کار می‌روند. این مقاله بر آن است که با تکیه بر منابع مکتوب، شواهد باستان‌شناختی و تحلیل آیین‌های مردمی، به بازنمایی نقش آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی و هنر ساسانی بپردازد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه بیشتر به جنبه‌های تاریخی و بررسی مفاهیم پرداخته‌اند.

اقبال چهری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه باستان‌شناختی نقوش الهه آناهیتا بر روی گچ‌بری دوره ساسانی» بیان می‌کند که اوج نمود الهه آناهیتا و نمادهای مربوط به آن در سده‌های چهارم و به‌خصوص پنجم میلادی بوده است. نقوش گچی این الهه شامل مجسمه‌های تمام‌قد، پلاک‌های گچی نیم‌تنه و نمادهای گیاهی مرتبط با آناهیتا است. گیاهان نمادین مربوط به این الهه شامل گل نیلوفر (لوتوس)، زنبق، نیم‌پالمت‌ها و میوه انار است. نقوش آناهیتا همراه با روبان‌های برافراشته، طاق با ستون‌نماهای جانبی، کوزه آب، هاله نور دور سر و حلقه قدرت در دست نمایش داده شده است.

شفیع‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش ایزدبانو آناهیتا بر دین زرتشتیان در دوره ساسانیان» نشان می‌دهد که اشیای موجود در دستان این الهه و نقوش گیاهی، انسانی و حیوانی در صحنه نمایش او، به نوعی مظاهر و کارکردهای وی را نمایان می‌کند؛ موضوعی که در اوستا به‌طور کامل به آن پرداخته شده است. بر همین اساس، می‌توان گفت هنرمندان دوره ساسانی با

فرانتزکومو (۱۳۸۹) در مقاله «آناهیتا، ایزدبانوی آیین مزدیسنا» نقش اسطوره‌ای آناهیتا را در اوستا و ویژگی‌های آن در دوره‌های تاریخی مختلف بررسی کرده است.

شامون (۱۳۸۱) در مقاله «آناهید: کیش و پراکنش او» به پرستش آناهیتا در دوره اردشیر و گسترش این آیین در بابل، شوش، هگمتانه و سارد پرداخته است.

گلشن و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله «نقش خدایان ایلامی در شکل‌گیری تثلیث ایزدی هرمزد- میترا- آناهیتا» به پیشینه ایزدان و ایزدبانوان اشاره کرده و نتیجه گرفته‌اند که تثلیث ایلامی «پی‌نیکر»، «کریرشاه» و «اینوشیشنک» در شکل‌گیری تثلیث ایزدی هرمزد، میترا و آناهیتا نقش داشته است.

محمودی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «حیات تاریخی ایزدبانوی آناهیتا در شیرین و شکر نظامی» به بررسی چربی و چگونگی بازتولید آناهیتا در منظومه «خسرو و شیرین» نظامی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که ایزدبانوی آناهیتا از طریق ادبیات عامه در شخصیت‌های خسرو، شیرین و شکر تبلور یافته و حیات خود را در قالبی تازه ادامه داده است.

همچنین پژوهش‌های متعدد دیگری وجود دارد که در متن پژوهش حاضر از آن‌ها استفاده و به آن‌ها استناد شده است. با توجه به بررسی پیشینه، غالب پژوهش‌ها از منظر تاریخی به آناهیتا پرداخته‌اند و از حیث مدارک باستان‌شناسی و متون مقدس، ایزدبانوی آب کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ از این‌رو، این پژوهش می‌تواند در این زمینه نوآوری داشته و اهمیت بررسی آن را دوچندان کند.

روش تحقیق

این پژوهش با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و از داده‌های متنی، باستان‌شناختی و مردم‌نگارانه بهره گرفته است. متون اوستایی، اسناد تاریخی، نقش‌برجسته‌ها، ظروف و گچ‌بری‌های دوره ساسانی و نیز مطالعات میدانی آیین‌های مردمی منابع اصلی این تحقیق هستند.

یافته‌های پژوهش

۱- یافته‌های پژوهش، شامل هنر ساسانی بر روی مدارک باستان‌شناسی اعم از نقوش الهه آناهیتا و نمادهای مرتبط با آن

می‌باشد. آناهیتا در متون مقدس و باورهای ایرانی: در اوستا، آناهیتا ایزدبانویی است که آب‌های روان و پاک را در کنترل دارد و سرچشمه همه رودخانه‌ها و دریاهاست. او دارای گردونه‌ای است که اسبانش «ابر، باران، برف و تگرگ» هستند و از آسمان‌ها آب حیات را جاری می‌سازد (رضی، ۱۳۵۸). در یشت پنجم اوستا، توصیف‌هایی از زیبایی، شکوه، و قدرت بارورساز آناهیتا آمده است که نشان از پیوند او با زاینده‌گی و طبیعت دارد (گویری، ۱۳۸۵).

۲- بازنامی آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی: آیین‌های باران‌خواهی یکی از نمودهای مردمی باور به قدرت آناهیتاست. در این آیین‌ها، عروسک‌هایی با جنسیت مؤنث ساخته می‌شود که معمولاً از چوب، قاشق یا چمچه تهیه شده و با لباس‌های محلی پوشانده می‌شوند (هاشمی، ۱۳۸۵؛ عاشورپور، ۱۳۸۷). این عروسک‌ها که با نام‌هایی چون «بوکه باران»، «کولی قرک» یا «تالو» شناخته می‌شوند، نماد زمینی آناهیتا هستند و مردم با ریختن آب بر آنها و خواندن اشعار آیینی، طلب باران می‌کنند (برومند سعیدی، ۱۳۷۷؛ میرشکرایی، ۱۳۸۴). عروسک در این مراسم نماینده زنی مقدس است که با ایزد باران‌زا، یعنی تیشتر، وارد گفت‌وگو می‌شود و برای نزول باران شفاعت می‌طلبد (بهار، ۱۳۷۷).

۳- بازتاب عروسک - آناهیتا در هنر ساسانی: در هنر ساسانی نیز نمادهای وابسته به آناهیتا به شکل گسترده‌ای به کار رفته‌اند. کوزه‌های حامل آب، گل نیلوفر، انار، پرندگان آبرزی، کودک و سگ، از جمله نمادهایی هستند که با آناهیتا پیوند دارند و بر روی ظروف سیمین، نقش‌برجسته‌ها و گچ‌بری‌ها دیده می‌شوند (افخمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عبداللهی، ۱۳۷۵). این نمادها، مفاهیم آب، باروری، زاینده‌گی و پاکی را منتقل می‌کنند که همگی با نقش آیینی آناهیتا در طلب باران سازگاری دارند.

۴- تحلیل نشانه‌شناختی و مردم‌شناختی: از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی، عروسک باران نمادی از زن مقدس، مادر زمین و طلب‌کننده حیات است. این نماد در آیینی مشارکتی، حامل مفاهیم اسطوره‌ای آب، باران، و زایش می‌شود. کوپر (۱۳۷۹) معتقد است که در بسیاری از فرهنگ‌های سنتی، عروسک آیینی تجسمی از الهه‌های باروری و مادرانه است. بنابراین، می‌توان گفت که پیوند میان عروسک‌های آیین باران و آناهیتا نه تنها از لحاظ معنایی، بلکه از نظر کارکردی نیز معتبر است.

آناهیتا ایزد زنان

در گذشته‌های دور که پرستش خدایان ماه و ماه رواج داشت و همچنین در دوران رواج آئین زرتشتی، زنان ایرانی از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بودند. در بخش بزرگی از اوستا که پیش از زرتشت نوشته شده است، فرشته «سپندارمذ» مظهر ماه مارس بوده است و برگزاری جشن سپندارمذگان در پنجم اسفند حکایت از جایگاه والای زن ایرانی دارد. این خدایان زن مظهر و نماد زنان کامل ایران به شمار می‌رفتند. سپندارمذ، مادر زمین و حافظ آن، حافظ زنان پارسا و نیک سیرت بود که دارای حکمت فراوان بود و او را «ارشمیتی» یا «آرمیتا» به معنای خرد مقدس (سپندارمیتی) می‌نامیدند. یکی از نمادهای سپندارمذ، گل بید است که در اواخر اسفند می‌روید. از رسم سنتی در ماه اسفند می‌توان به استراحت زنان بعد از پنجم اسفند به مدت پنج روز اشاره کرد. در این ایام مردان برای قدردانی از زنان وظایف زنانه را انجام می‌دادند. مردان نیز در روز «کسب‌ها» یا «مژده‌آوران» به زنان هدیه می‌دادند. پرستش الهه‌هایی چون «نانایا»، «آناهیتا» که گاه آرتامیس را معادل آناهیتا می‌دانستند، همگی بیانگر حضور، ارزش و اعتبار زن و تبلور این جایگاه در اسطوره‌ها و خدایان باروری، پاکی و عفت است که به آب و عناصر مربوط به آنها مربوط می‌شود.

تصاویر بسیاری از الهه‌ها و ملکه‌ها به‌ویژه در زمان ساسانیان بر روی سکه‌ها، مهرها و سنگ‌نگاره‌ها گواه این مدعاست. ساسانیان که خود را پارسیان و وارثان هخامنشیان می‌دانستند به فرهنگ و عقاید خود ادامه دادند و در مقابل اشکانیان که از یک نژاد نبودند فرهنگ و هنر آمیزی ایجاد کردند، نشانه‌های پرستش آناهیتا بسیار آشکار است. حتی زمانی که دین زرتشت دین رسمی دربار شد و نقش اهورامزدا بسیار مهم و ضروری بود، باز هم خدایان آب و خورشید یعنی آناهیتا و مهر به عنوان همراهان هورامزدا حضور داشتند. زنان ایرانی در قالب آناهیتا الهه عشق و باروری در هنر این عصر ظاهر شده‌اند. سیمای زن در هنرهای دوران ساسانی را می‌توان الهام گرفته از آناهیتا، پاک و زاینده و نگهبان آب دانست. علاوه بر اسناد باستان‌شناسی در «بندش» درباره آناهیتا، آب آفریننده است و وقتی باران آمد، خدایان آب از او آمدند: خلقت دریاها از او بود (بهار، ۱۳۸۹: ۶۴-۶۵). خدایان آب و باران که مظهر فراوانی و برکت و زایش هستند همواره در سرزمین ایران جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. ایزد آناهیتا (ناهید) به معنی «بی‌آلایشی، پاکی» در متن‌های اوستا آناهیتا با دو صفت

«اردوی و سوره» (اردوی سوره آناهیتا) به مفهوم «آب نیرومند پاک» آمده است. این ایزد گردونه‌ای با چهار اسب سفید دارد. (خدایان مهم گردونه سوارند، گردونه‌هایی با چهار اسب)، اسب‌های گردونه او عبارتند از: «ابر، باران، برف و تگرگ» او از فراز ابرهای آسمان به فرمان اونمرد باران، برف و تگرگ را فرو می‌ریزد. چشمه حیات از وجود او می‌جوشد و بدین گونه مادر خدا نیز می‌شود (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۲۰۱).

آناهیتا یعنی پاک و بی‌آلایش، در اوستا این صفت بارها در مورد فرشتگان و اشیاء استعمال شده، غالباً مهر و تشر (تیر) و هوم و برسم و آب زور و فروغ و غیره بصفت آناهیتا یعنی پاکی و بی‌آلایشی منصف شده‌اند. در پارسی باستان نیز همین کلمه چهار جا بمعنی فرشته بما رسیده (عنایت الله و همکاران، به نقل از ابند ندیم، ۱۳۴۵: ۷۰). بعدها آناهید و ناهید را بستاره زهره یعنی ستاره زیبایی که رومیان عنوان الهه و جاهت بدان داده‌اند اطلاع کرده‌اند (همان، ۱۵۸). ایزدی که بالاحص بدین نام مرسوم است ایزد آب است که بنام اردوی سوره آناهیتا خوانده شده، فرشته نگهبان آب. در آیین زردشتی نگهبانی عنصر آب با فرشته آناهیتا (ناهید) است. این فرشته در نزد ایرانیان قدیم دارای مقام بلند و ارجمندی است. ممکن است ناهید ایرانیان از اثر نفوذ الهه سومر مرسوم به ایشتر که بعدها در بابل و آشور هم پرستیده می‌شد بوجود آمده باشد، ایشتر که مادر و مولود نوع بشر تصور می‌شد که در برخی خصایص شباهتی با ناهید دارد و ممکن است بعدها در بیرون از حدود ایران بعضی از خصایص و رسومات دینی این الهه را ضمیمه پرستش ناهید ایرانی کرده باشند. اردشیر دوم ستایش ناهید را در نقاط مختلف ایران در ممالکی که در تحت تصرف شاهنشاهان هخامنشی بود منتشر ساخت و مجسمه‌ها را در معابد برپا نمود آثار خطوط میخی که از اردشیر دوم باقی مانده است دلیل است که در عهد این پادشاه ستایش ناهید و مهر در ایران بالا گرفته است (دهخدا، ج ۲: ۲۹۳۸).

آناهیتا در اوستا

آب نیایش «می ستایم آب را که آفریده اهورا مزداست» این چنین بیان شده است: ستایش می‌کنم تو را، ای آرذویسور آناهیتا. می ستایم تو را که نماینگاه همه آب‌های پاک و درخشانی و نمازت می‌گزارم برای خشنودی اهورا مزدا که آفریده‌اش هستی بپرستیم اهورا مزدای فرهمند و روان اراده را — و بستاییم همه آب‌های

که یکی از زیباترین یشت های اوستاست به آن‌اهیتا تعلق دارد و او به عنوان تجسم آسمانی و زمینی آب در جهان‌بینی زرتشتی مطرح می شود. پشت پنج شامل ۳۰ گروه و ۱۳۲ بند است. شاهان ساسانی آیین دی را گرامی داشته و از آن پاسداری می کردند. در نقش رستم شاپور سوم حلقه سلطنت را از ناهید دریافت می کند و در طاق بستان خسرو دوم در کنار ناهید و اهورا مزدا دیده می شود. در کنار طاق بستان کاخ بهستان وجود داشته که بر روی گلابتون ستون های سنگی باقی مانده تصویر خسرو دوم و آن‌اهیتا با تاج شاهی در دست‌ها به خوبی مشهود است. در کتیبه سرمشهد، ناهید در کنار بهرام و کرتیر دیده می شود. در زمان خسرو دوم سکه‌هایی به نقش آن‌اهیتا زده شد (علم الهدی، ۱۳۸۲: ۵۸).

آن‌اهیتا در مدارک باستان‌شناسی

شکوه و عظمت آن‌اهیتا در دوره ساسانی به اوج خود رسید. ساسانیان توسط معبد آن‌اهیتا حوض بزرگ شدند. اولین پادشاه ساسانی، اردشیر اول، در معبد آن‌اهیتا تاجگذاری کرد و آخرین آن پس از مشورت هیربدان به عنوان یزدگرد سوم در معبد آن‌اهیتا استخر انتخاب شد (صدر نوری، ۱۱۶: ۱۳۹۱). در مورد شاپور اول، پسر و جانشین اردشیر، بی دلیل نیست که نام دخترش را آدور آن‌اهید (آن‌اهید آتش) گذاشت که بعدها همسر شاپور شد و لقب بنبشنان بنبشان به او داده شد که به معنای ملکه زنان است. این نام ارتباط خانواده ساسانی را با معبد آن‌اهید حوض نیز به یاد می آورد. بنای معبدی در بیشاپور برای آن‌اهیتا در مجاورت کاخ سلطنتی توسط شاپور اول نارسه در کتیبه پایکولی انجام شده است، هنگامی که از سوی بزرگان و درباریان از ارمنستان به ایرانشهر فراخوانده می شود «هرمزد و همه ایزدان» را می خواند. و آن‌اهید بانو» برای کمک (رسولی، ۱۳۹۱: ۷۰). بر روی ظروف فلزی این دوره که مربوط به قرن ششم و هفتم میلادی است، تصاویری از آن‌اهیتا ساخته شده است. آن‌اهیتا روی ظروف با پوشش و ظاهر متفاوت؛ نوع لباس، ژست بدن و انواع مختلف اشیا روی دست‌ها خودنمایی می کند. از نمادهای الهه آن‌اهیتا می توان به گل نیلوفر، انار، کبوتر (قله آن‌اهیتا) و سیو (کوزه) اشاره کرد (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۲۴).

در اواخر دوره ساسانی بزرگترین نمادهای مذهبی، سیاسی و فرهنگی آتشکده آذر گشتسب (آتش شاهی یا سلحشوربان) ساخته می شود. شاهان ساسانی از تیسفون مقر حکومتشان پای پیاده به

پاک را که داده اهوراست، و آن ایزد بزرگ را که آبهای مزدا داده را زیر گام دارد و سرپرست است — و بستاییم همه امشاسپندان را، و ایزدان مینوی سپهرمنش و گیتی منش را — فروهرهای پارسیان را که نخستین گروندگان آیین بودند — و زرتشت را و خاندانش را (رضی، ۱۳۵۸: ۳۱). «ستایشگرم آب پاک سود رسان زندگی ساز را. ستایشگرم آن آردویسور آن‌اهیتا را، آن نگاهبان شایسته آب‌های نیاولده گیتی را — و آن آب پهنه گستر زمین را که سازنده زندگی است، که چشمه زاینده نیروست از برای تندرستی — که چون فرو ریزد دیوان را نابود سازد، و چون روان شود. ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها را نیت گرداند». اینک بستاییم آن‌اهیتا را، ایزد بلند پایه شایسته را، که در پهنه سپهر جای دارد، که در بستر زمین روان می شود، که نیرو می بخشد تن را و روان را، که جنبش و زندگی می دهد گیتی را، می رویاند گیاه‌ها و سبزه‌ها را، که بدان گله‌ها و رسه‌ها افزایش می یابند، که خواسته مردمان افزون می گردد؛ که کشور آبادان و نیرومند می شود.

بستاییم ایزد بغبانو آن‌اهیتا را، که نگاهبان زنان است و در به سازی نژاد کارساز است. که نیروی زندگی را در مردان پاک می کند، و در خور می سازد تا در درون زنان بارور شود (رضی، ۱۳۵۸: ۳۳). ستایش کنیم ایزدی را که درد زایش را در زنان می کاهد، که سینه های زنان زاینده را پر شیر می سازد که چشمه زندگی است برای کودکان نوزاد. و ستایشمان بر آن ایزدی که بزرگ است، بزرگ و پاک؛ چونان همه گیتی که از فرازین گاه بلندی‌های زمین روان باشد. بستاییم آن ایزد توانمند اهورا آفریده را — که سترگ است، سترگ چون همه آب‌های نالوده و پاک که از ابرها سرازیر شده و بر سینه زمین چون رودها و چشمه سارها و دریاها و دریاچه ها آرام یافته اند. آرام در زمین‌های هفت کشور — و می پیرایند زندگی بالنده را، پاک می کنند نهاد مردان را، و زنان را، و تو انسان می نمایند شیر زنان را. سرود پرستش سراییم برای اهورا مزدا — و بستاییم آب زندگی ساز را در پیکره ایزدی چون آن‌اهیتا — که میراند آب‌ها را در بسترهایشان بر سینه زمین، چونان رگ‌های پر خون زنی جوان — آب‌هایی که روانند در زمستان و تابستان (همان، ۳۴).

در دوره ساسانی دین رسمی ایران زرتشتی بود و در این آیین ادامه پرستش آن‌اهیتا به گونه ای دیگر ادامه می یابد. مغ های زرتشتی به سبب مقامی کرد و خدای کهن ایرانی آن‌اهیتا و مهر (میترا) در اذهان داشتند، سرودهای شکوهمندی در ستایش این دو ایزد بانو می سازند که در یشت‌ها مندرج است. پشت پنج اوستا

(پاکاک، ۱۳۸۶: ۵۱). در اساطیر، آناهیتا الهه آب‌ها است. الهه الهام‌دهنده حاصلخیزی خاک است و به عنوان عنصر آفرینش جهان و الهه مادر شناخته می‌شود و یژگی «مادرانه» او به دلیل «مادر آب» بودن اوست. مادری آب یکی از روشن‌ترین تعبیر اساطیر است. زندگی از آب زاده می‌شود و زاده شدن از آب در اصل به معنای متولد شدن از «رحم مادر» است.

آناهیتا شخصیتی بزرگ، قدرتمند و پاک در باورهای اساطیری است جایگاه او در بالای آسمان است و به نوعی خانه‌اش هفتمین لایه آسمان است. او در نبرد با جادوگران و جادوگرانی بود که به آب احترام نمی‌گذاشتند و باران را عزیز نمی‌شمردند و همیشه با شیاطینی که آب انبارها و آب‌گیرها را به خشکی می‌کشیدند در ستیز بود (معصومی، ۱۳۷۸: ۳۲۴). در اسطوره این ایزدبانو سرچشمه زاد و ولد و حیات است زیرا خداوند پروردگار آب و آب مایه بقا است زیرا زرتشت در زمان حیات خود خدایی جز اهورامزدا را خالق و قادر و مطلق نمی‌شناخت. نگهدارنده کیهان زرتشت به شدت با شرک مخالف بود و در مقابل اهورامزدا خدایانی چون میترا و آناهیتا را که خدایان بت پرست بت‌پرستی بودند می‌دانست (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۸)؛ اما به دلیل تأخیر و اهمیتی که برای ایرانیان داشتند، بازسازی شدند و پس از زرتشت دوباره در آیین مزدیسنا ظاهر شدند. خدایان آریایی باستان شکوه خود را به عنوان واسطه و فرشتگان اهورامزدا باز یافتند (ریکل ۲۰۰۲: ۱۹۷).

دلیل رفتن خدایان به خاطر نسبت دادن آناهیتا به دین زرتشت، خیانت پس از مرگ زرتشت و پایه گذاری دینی دور از اصول اوست. برخی از محققان معتقدند مغول‌ها دین زرتشتی را تحریف کرده‌اند و تاریخ این تحریفات را در قرن چهارم قبل از میلاد می‌دانند. یعنی تا دوره‌هایی که مغان در نهادهای حکومتی قدرت می‌گیرند و پرستش خدایان باستانی چون میترا، بهرام و آناهیتا را که زردشت شخصیت‌شان را خدشه‌دار می‌کند، ترویج می‌کنند و آنها را وارد اوستای کوچک نمی‌کنند (داندامایف، ۱۳۵۲: ۱۱۷). به دلایلی که در بالا ذکر شد نام آناهیتا را در گاهان نمی‌یابیم. پس از زرتشت نام ایزدان در یشت‌ها آمده و مورد ستایش قرار می‌گیرند. در اوستا از الهه آناهیتا به عنوان دوشیزه‌ای بسیار زیبا، بلندقد و زیبا یاد شده است. خداوندی که مسئله ازدواج و عشق خالص را که منشأ تشکیل خانواده است و برای خانواده مهم خوانده می‌شود را به زنان می‌آموزد، آب‌فراوان است. در اوستا، در میان یسناها، از یسنا

این مکان می‌آمدند. این آتشکده در کنار دریاچه‌ای جوشان در دهانه یک مخروط آتشفشان به قطر ۱۰۰ متر بنا شده و نشانگر اهمیت آب در آیین زرتشتیان می‌باشد. در کنار آتشکده (محل نگهداری آتش جاویدان) معبد آناهیتا قرار گرفته است. آب دریاچه از طریق نهري وارد معبد شده، در دالان‌ها گردش کرده و در وسط معبد حضور آرام خود را اعلام می‌دارد. سیستم گردش آب در این معبد شباهت زیادی به معبد آناهیتای بیشاپور دارد. این مجموعه بر روی صفحه ای طبیعی به ارتفاع ۵۰ متر از کف دریا قرار گرفته و به وسیله حصاری با دو دروازه و ۳۸ برج محصور شده است. بناها و دریاچه بدون تبعیت از حصار بیضی شکل از دو مربع که تشکیل یک مستطیل بزرگ را داده‌اند، ساخته شده‌اند. آتشکده و دریاچه بر روی محور اصلی (شمالی، جنوبی) مجموعه قرار دارند و عناصر مهم دیگری مانند دروازه، ورودی اصلی، محراب آتش و ایوان اصلی نیز بر روی این محور قرار گرفته‌اند. آب و آتش وصلت خود را در قلعه‌ای بر فراز کوه و در حضور آسمان و طبیعت جشن می‌گیرند.

در نزدیکی این آتشکده مجموعه زندان سلیمان وجود دارد که بسیار شبیه به آتشکده آذرگشنسب می‌باشد و باستان‌شناسان معتقدند که به علت کم شدن آب در زندان سلیمان تپه‌ای آتشفشانی به ارتفاع ۱۱۰ متر که یک دهانه آتشفشان به عمق ۱۰۰ متر و قطر ۷۰ متر را داراست. این دهانه در آن زمان پر از آب بوده و نیایشگاه در گرد آن بر روی قله ساخته شده است. یک تراس مرتفع هسته مرکزی مجموعه را تشکیل داده و در اطراف آن حلقه ای شامل ۶۳ طاق (اقامتگاه موبدان و زوار) ساخته شده است. این مجموعه به وسیله ی یک حصار قلعه مانند محافظت می‌شده و در وسط تراس آتش مقدس روشن بوده است. به روایتی زرتشت در قرن دهم قبل از میلاد ظهور کرده و محل تولد او در اطراف همین محل تعیین شده است. در مجموعه زندان سلیمان معماری به دور آب شکل گرفته و مرکزیت و وحدت در آب معنی پیدا می‌کند. این الگو در آتشکده‌ی آذرگشنسب تکرار می‌شود و ما در دوران اسلامی شکل تکامل یافته آن را شاهد هستیم (علم‌الهدی، ۱۳۸۵: ۸۲).

معبد آناهیتای بیشاپور نیایشگاه اردوی سور آناهیتا و جایگاه نوازش و بازی با آب است. افکار، نمادها و مؤلفه‌های فرهنگی به عنوان ابزاری برای بازنمایی معنادار جهان برای اعضای یک گروه فرهنگی خاص عمل می‌کنند و تأثیرات واقعی بر جای می‌گذارند

۶۳ تا ۶۹، «ابزوهر» یا «نثار آب» بخشی از مراسم یسنا است که پس از پایان مراسم دعای یسنا انجام می‌شود (شین دشتگل، ۱۳۸۲: ۱۶). در این یسنا (به ویژه بندهای ۱ تا ۵ یسنا ۶۵) از آب و ۲ الهه سپرده شده به آن یعنی آناهیتا صحبت شده است (رسولی، ۱۳۹۱: ۲۱). در میان این‌ها یشت پنجم به «کمپ سورناهید» اختصاص دارد. آناهیتا ایزدبانویی است که به صورت دوشیزه‌ای زیبا در یشت ۵ ظاهر می‌شود. در بندهای ۷، ۱۳، ۶۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۲۶ تا ۱۲۹، بدن برازنده و قدرتمند و ترکیبات زیبا و دلنشین او بارها شرح داده شده است (گویری، ۱۳۸۵: ۴۸). آناهیتا در یشت ۵ نماد آب است و به شکل رودخانه‌ای عظیم ظاهر می‌شود:

بزرگی که همه جا مشهور است. کسی که به بزرگی تمام آب‌هایی است که روی زمین جاری است. سیلابی که از کوه هوکریه به دریای فرخ کرت می‌ریزد (همان، ۵۰). در آبان یشت کرده ۶۰ تا ۶۶ در مورد آناهیتا و قدرتش نوشتاری مطرح شده که: «در ۴ بند آن، آناهیتا چنین بیان شده است: بند ۶۰: از برای من ای زردشت اسپنتمان این اردوی سور ناهید را به ستای کسی که ... بند ۶۱: او را کشتیران ماهر ستایش نمود وقتی که پل پیروزمند فریدون وی را در هوای به صورت يك کرکس به پرواز نمودن واداشت ... بند ۶۲: از این جهت او سه روز و سه شب پی‌درپی بر بالای خانه خویش در پرواز بود، نمی‌توانست فرود آید. در انجام سومین شب او، به سپیده دم رسید. درگاه بامداد روشن به اردوی سور آناهیتا ندا درداد. بند ۶۳: ای اردوی سورناهید به یاری من بشتاب مرا اینک پناه ده اگر من زنده به زمین آفرید» (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۵۸۸-۵۸۹).

اشیا و نگاره‌های دوره ساسانی منقش به آناهیتا

از آثار مهم دوره ساسانی که نقش آناهیتا به وفور در تزئینات آنها استفاده شده است، ظروف طلایی و سیمین‌اند، مجموع نقوش تزئینی آنها، همراه با ایزدبانو آناهیتا، مفاهیم بسیاری را دنبال می‌کنند. محققان برای تفسیر این ظروف نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال، اتینگهاوزن آنها را با الهه آناهیتا مرتبط می‌داند (اتن‌گوسن، ۱۹۶۷: ۳۶-۳۷). دوروتی شپرد^۲ به این تصاویر

معنایی مذهبی می‌دهد، رینگبوم^۳ آنها را به عنوان کاهنان معبد و باکره تعبیر می‌کند، گریشمن^۴ آنها را به عنوان نمادهای سلطنتی یا سرگرمی سلطنتی مورد مطالعه قرار داده است. و الگ گرابر^۵ نیز معتقد است که این ظروف مضامین مذهبی ندارند، بلکه تصاویری از زندگی مادی را نشان می‌دهند (موسوی‌کوهپار ۲۰۰۸: ۵۵). ظروف ساسانی حاوی تصویر آناهیتا یا زنان از نواحی مختلف ایران و سرزمین‌های مجاور به دست آمده است. این ظروف برای اولین بار در موزه ارمیتاژ به نمایش گذاشته شد. بیشتر ظروف حاوی نقش زنان یا آناهیتا در موزه ارمیتاژ قرار دارد. بنابراین در این موزه آثار ساسانی مانند بشقاب‌ها، بطری‌ها و کوزه‌ها وجود دارد که با تصاویر زن فلوت نواز یا تصاویر این الهه در حال اجرای رقص مذهبی و در پناه چنگال‌های عقاب تزئین شده است. در مجموعه فریر و ساکلر چهار اثر با این مضمون و در موزه ایران باستان سه کاسه و یک بطری با نقش نوازندگان زن و آناهیتا وجود دارد. آناهیتا با اندام متناسب و در میان شاخه‌های انگور بر روی بطری و بشقاب موزه کلیولند به تصویر کشیده شده است و همین تصاویر در بشقاب دیگر و قوری نقره آبکاری شده در موزه متروپولیتن دیده می‌شود. آناهیتا الهه‌ای است که در قالب دوشیزگان زیبا ظاهر می‌شود. در بندهای ۷، ۱۳، ۶۴، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۲۶ و ۱۲۹ بدن برازنده و قدرتمند و آرایه‌های زیبای او به گونه‌ای دلنشین توصیف شده است. آناهیتا نمادهایی دارد که در هنر ایران به آن توجه شده است.

تصویر سگ مربوط به هشت هزار سال پیش بوده است، یعنی از زمانی که به ندرت تصاویر طبیعی بر روی سفال‌ها کشیده می‌شد، می‌توان دید که در میان اولین و مهم‌ترین تپه‌های ایران، تصویر سگ به تصویر کشیده شده است. روی سفال آن‌ها در دوره تاریخی به ویژه دوره ساسانی نقش سگ به همراه تصاویر آناهیتا بر روی تعداد زیادی از ظروف این دوره نشان داده شده است (هوله^۶، ۲۰۰۷: ۱۷۵). همچنین در دیگ موز متروپولیتن، سگی در حال نوشیدن آب از ظرفی است که آناهیتا در دستان خود گرفته است که به وضوح با ببر موجود در آن متفاوت است که از نظر اندازه و شکل و موارد دیگر شبیه سگ است (گونت^۸، ۱۹۹۲: ۶۰-۶۱).

^۶ Moussavi Kouhpar

^۷ Hole

^۸ Gunter

^۲ Dorothy Shepherd

^۳ Ringboom

^۴ Grishman

^۵ Aleg Graber

در فرهنگ ایرانی، انار به دلیل رنگ سبز برگ و شکل غنچه و گل آن که شبیه آتش‌دان است از تقدس خاصی برخوردار است (میرمحمدی، ۱۳۸۰: ۴۰-۴۲). در کنده کاری‌ها و گچ بری‌های بناهای ساسانی تصویر نمادین میوه و گل انار بارها به چشم می‌خورد. در زمان ساسانیان، انار همیشه مقدس شمرده می‌شود. این میوه دانه دار را نشانه و نماد باروری آناهیتا می‌دانند (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۱۶). نوزاد یا کودک یکی از نقوشی است که در بیشتر ظروف آناهیتا پیچیده شده است. این نقش در هنر ایران سابقه نداشته و برای اولین بار در آثار مربوط به دوره ساسانی که احتمالاً می‌توان از هنر یونان و روم تأثیر پذیرفته است، ظاهر می‌شود. در آسیای غربی اسطوره‌هایی وجود دارد و آن داستان عشق الهه آب یا الهه مادر به فرزندش است که خدای بارور کننده است. مادر علاقه مند به ازدواج با پسرش است، اما پسر جواب این محبت را نمی‌دهد و مادر او را می‌کشد و سپس مادر دوباره پشیمان می‌شود و به او زندگی می‌بخشد و او دوباره دنیا را بارور می‌کند (بهار و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۲).

همان‌طور که پیداست نوزاد یا کودک نماد و نشانه تولد، رشد، تولد و باروری است. یکی از نقوشی که در بیشتر ظروف طلا و نقره دوره ساسانی به چشم می‌خورد نقش انگور یا تاک است. در بشقاب موز کیلوند، شاخه‌های انگور تمام سطح ظرف را می‌پوشانند و در بشقاب مجموعه فریراند ساکلی، علاوه بر شاخه‌های انگور، بشقاب پر از انگور در دستان آناهیتا حک شده است. قبلاً تصور می‌شد که این صحنه نشان دهنده جشن پیروزی دیونیزوس، خدای شراب و شراب (یکی از اساطیر یونانی) است، اما این صحنه در واقع آناهیتا را به تصویر می‌کشد که به تقلید از سبک جشن پیروزی یونانی-رومی انجام شده است. دیونیسوس ۱۰ در آثار ایران از دوران اشکانی به روشنی قابل بررسی است (موسوی کوهر، ۱۳۹۰: ۱۷۲). اما در دوره‌های قبل از این اثری از آن نیست، ادامه این نقش را می‌توان در آثار هنری دوره ساسانی به ویژه گچ بری و فلزکاری مشاهده کرد و به صورت خوشه انگور و برگ مو یا برگ موی ساده است که ادامه سبک رئالیسم را نشان می‌دهد.

دوره اشکانیان نقش تاک در آثار نوآسوری در بین‌النهرین دیده شده است، اما هیچ گاه اثری از آن در هنر هخامنشی دیده نشده است. بنابراین نمی‌توان آن را عنصر وارداتی هنر آشوری دانست.

در آثار هنری ایران و بسیاری از تمدن‌های دیگر نقش گل نیلوفر خود را نمایان می‌کند که بیانگر اهمیت و قداست این گل است. گل نیلوفر یکی از نمادهای مصر است که به نقوش تزئینی بین‌النهرین راه یافت و از این طریق وارد ایران شد. گفتنی است آشوری‌ها و مادها از گل نیلوفر در هنر خود استفاده می‌کردند (سودآور، ۱۳۸۴: ۱۰۰) و حتی در آثار هنری لرستان نیز به نمایش درآمده است (همان، ۱۱۷).

در دوره اشکانیان از نیلوفر در تزئینات معماری استفاده می‌شد و تحت تأثیر هنر یونانی شکل و فرم آن تغییر کرد، و از این طریق وارد هنر ساسانی شد (افضل طوسی، ۱۳۹۱: ۱۵۵). در این دوره گل نیلوفر آبی در صحنه‌هایی که الهه آناهیتا به تصویر کشیده شده است به وفور دیده می‌شود. این گل یا در دستان آناهیتا قرار می‌گیرد یا در کنار او در موزه ارمیتاژ، پنج عکس از آناهیتا بر روی شیشه به نمایش گذاشته شده است، به جز یک عکس، بقیه آنها گل نیلوفر در دستان آناهیتا را نشان می‌دهد. در ایران گل نیلوفر سمبل و نشانه حیات و آفرینش است (دادور، ۱۳۸۵: ۱۱۵). بر این اساس همان‌طور که در بند آمده، نیلوفر گل به عنوان گل خاص آناهیتا معرفی شده است. در فارسی به گل نیلوفر گل ایزاد یا گل حیات و آفرینش یا نیلوفر آبی می‌گویند. از آنجایی که این گل مربوط به آب است، نماد آناهیتا، الهه آبهای روان است. روایات باستانی نیلوفر یا نیلوفر را محل نگهداری دانه یا دانه زرد می‌دانستند که در آب نگهداری می‌شد (محمودی، ۱۳۸۰: ۴۴).

آناهیتا و مهر دو خدایی هستند که با گل نیلوفر و از درون آن متولد شدند. نقش انار از هزاره سوم پیش از میلاد در آثار هنری ایران دیده می‌شود (شعبانی خطیب، ۱۳۸۷: ۷۰-۷۱). انار یکی از نقوشی است که در سایر ظروف ساسانی که نقش آناهیتا را در دست یا درون ظروف به تصویر می‌کشد، دیده می‌شود. میوه انار در اوستا ذکر نشده است، درختان انار را نیز در آتشکده‌ها می‌کاشتند و شاخه‌های آن را به عنوان برسم در مراسم در دست می‌گرفتند. برسم شاخه‌های بریده درخت انار است که در مراسم مذهبی استفاده می‌شود. برسم نماد خلقت گیاهان و آب مقدس نماد باران است. این دو عبارت از حاصل خیزی گیاه و خاک است (گویری، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۳۷). در متن اوستا، آناهیتا چندین بار با لوحی در دست توصیف شده است. انار به نوعی نشانه باروری و برکت و فراوانی است (هارپر، ۱۹۷۸: ۴۰).

¹⁰ Dionysus

⁹ Harper, p. 0

شبه کبوتر یا مرغ و آبی هستند. در باور ایرانیان، هر پرنده ای که نسبت به آب باشد، نماد آناهیتا یا ناهید است (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۴۱). بر این اساس شاید بتوان گفت که نقش پرندگان روی ظروف ساسانی نوعی پرنده آبی را نشان می‌دهد. در ظروف دوره ساسانی تصویر جام یا کوزه ای که آب از آن بیرون می‌ریزد و حیوان کوچکی از آن می‌نوشد به وفور دیده می‌شود. مخزن آب به عنوان یکی از نمادهای آناهیتا معرفی شده است (یاحقی، ۱۳۶۹: ۴۱۶). معانی نمادین آب را می‌توان در سه موضوع اصلی خلاصه کرد: منبع حیات، وسیله کشت و مرکز حیات تازه. در آسیا، آب شکل اساسی ظهور، اصل حیات و عنصر تولد مجدد جسمی و روحی، نماد باروری، پاکی، خرد، برکت و فضیلت است (شوالیه‌گری، ۱۳۸۸: ۲-۴). درخت زندگی ریشه بسیار قدیمی در باورها و فرهنگ اقوام و ملل مختلف دارد. این نقش نمادی از جهان هستی، منبع باروری و نمادی از دانش و زندگی جاودانه است (هال، ۱۳۸۰: ۲۵۸).

در اوستا از درختانی که در کنار چشمه می‌رویند، نگهبان دارند و نماد سرچشمه حیات، خیر و برکت، تقدس، همدلی، انسانیت، باروری، تولد، سرسبزی، آبادانی، طراوت و مظهر زیبایی، غرور، نشاط و الگوی دنیاپرستی، پایداری و استقامت هستند. در فرهنگ دینی، این درختان نمادی از نور و قدرت الهی، علم، حکمت، اصل نیکی هستند و به عنوان نماد تکامل انسان مورد ستایش قرار می‌گیرند (پورخالقی چترودی، ۱۳۸۱: ۹۳). در نمادگرایی اسطوره‌های جهان، درخت نماد زنان و همه نمادهای زنانگی و مادری است (همان، ۷۸). روی ظروف طلا و نقره حاوی تصویر ایزدبانو آناهیتا، تصویر بز کمتر دیده می‌شود و در بیشتر پدیده‌های هنری ایران، آناهیتا به شکل بز تجسم یافته است. بز نماد نیروی حیات، آفریننده نیرو و نگهبان درخت زندگی است (محمودی، ۱۳۸۰: ۴۲). در خاور نزدیک، بز کوهی همراه با درخت زندگی نماد باروری هستند (این حیوان مظهر فراوانی و از نوع رشد درنده است و در شاخ آن نیروی جادویی نهفته است) (حاتم، ۱۳۷۷: ۸۵). بز کوهی نماد تولد، رشد، سرسبزی، شکوفایی و فراوانی است (هال، ۱۳۸۰: ۳۵).

در بشقاب موزه ارمیتاژ، زیر پای این موجود افسانه‌ای، که زنی فلوتزن (شاید آناهیتا) بر آن سوار است، دو ماهی در حال شنا به تصویر کشیده شده است. ماهی‌های غرش به دلیل عملکردی که

این نقش را می‌توان در آثار هنری یونان از قرن ششم پیش از میلاد مشاهده کرد و به نظر می‌رسد ورود نقوش انگور و انگور به نقوش تزئینی ایرانی را باید تحت تأثیر فرهنگ یونانی دانست (محمدی‌فر، ۱۳۹۲: ۷۱-۷۲). در اساطیر ایرانی انگور نماد خون، نیروی اصلی حیات و سرزندگی است (یاحقی، ۱۳۶۹: ۱۰۷). این گیاه نمادی از باروری بی‌نهایت است (سکراتو، ۱۹۶۶: ۸). در ظروف بررسی شده هاله نور بر روی پنج ظروف دیده می‌شود. این نقش در دوره ساسانی بسیار رایج شد و از طریق آن به هنر روم نیز سرایت کرد. هاله نور الهی و نیروی ترکیبی آتش و طلای خورشیدی یا انرژی الهی است. نوری که از تقدس سرچشمه می‌گیرد، نیروی معنوی و نیروی نور عبارتند از تقدس، دایره، دایره شکوهمند، نبوغ، فضیلت، نشر نیروی حیاتی در سر، انرژی حیاتی خرد و نور متعالی معرفت (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۷۸). نقش پرندگان از دوران ماقبل تاریخ و از هزاره چهارم در تمدن‌های بین‌النهرین، شوش و پارس ایلامی تجلی ابرها و قله‌های باران بود و در دوران بعد انواع خاصی از پرندگان از جایگاه و منزلت خاصی برخوردار بودند (ژوله، ۱۳۸۱: ۴۷).

نقوش پرنده‌ای که روی ظروف طلا دوره ساسانی دیده می‌شود طاووس است که روی بطری موز ارمیتاژ، بطری موزه ایران باستان، کاسه تخم مرغی شکل همان دوره و همچنین روی کوزه مجموعه فریر و ساکلر این کوزه تنها ظرف دوره هفتم ساسانی است که تنها دارای سه نقش آناهیتا است (Olson, 2008: 78). در سنت زرتشتی طاووس را پرنده‌ای مقدس می‌دانسته‌اند. طبری در مورد آتشکده‌ها و معابد زرتشتیان که تا قرن سوم هجری باقی مانده‌اند، اشاره می‌کند که در نزدیکی آتشکده بخارا، مکان خاصی برای نگهداری طاووس در نظر گرفته شده است. در فرهنگ اسلامی طاووس را نیز پرنده‌ای بهشتی می‌دانند (صباغ‌پور، ۱۳۸۹: ۴۱). این پرنده در ایران با نام پرنده ناهید (آناهیتا، خدای آب) معرفی شده است (پرهام، ۱۳۷۵: ۵). تصویر عقاب فقط روی بشقاب موزه ارمیتاژ نشان داده شده است (هال، ۱۳۸۰: ۶۸). عقاب یکی از نقش‌های مرتبط با مردم آسیای غربی است و دلیل آن این است که این پرنده قدرتمند و قدرتمند نماد اهورامزدا، شمس و همه خدایان آسمان است (ریاضی، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

یکی از نقوشی که بر روی اکثر ظروف مجلل دوره ساسانی حک شده، نقوش پرندگان کوچکی است که از نظر اندازه و شکل بیشتر

و الهه آب است. روی لباس خسرو نیز مرواریدهایی به صورت قطره دیده می‌شود (همان، ۳۰).

نیم‌تنه‌های گچی الهه آناهیتا از محوطه‌های تیسوفون تیسوفون دارای گچ بری‌های متعدد با نقوش و نقش‌های تزئینی گوناگون است که در مقایسه با سایر محوطه‌های ساسانی تعداد آنها بیشتر است. (کروگر ۱۲، ۱۹۸۲: ۵۵). تاریخ پیشنهادی برای این گچ بری‌های تیسوفون بین قرن ۴ و ۶ پس از میلاد است (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۱-۱۵۲).

معماری مرتبط با آناهیتا

اهورامزدا در گذشته به معنای خدای دانا، برتر، خالق همه موجودات جهان، دانای اسرار نهفته در هستی و البته بسیار مهربان بود. از این رو وجود ایزدبانوی آب در ایران باستان در کنار اهورامزدا حکایت از جایگاه بسیار بالای این ایزدبانو برای ایرانیان و توجه ویژه به وی دارد. نمونه دیگری از آثار به جا مانده از گذشته که حاکی از جایگاه منحصر به فرد ایزدبانوی آب در ایران باستان است، نقش برجسته طاق بستان است. در این کتیبه الهه آناهیتا در سمت راست خسرو پرویز ساسانی و اهورامزدا در سمت چپ او قرار دارد. نکته مهم در کتیبه طاق بستان این است که الهه آب تاجی مانند اهورامزدا بر سر دارد و در یکی از دستانش کوزه‌ای است که آب از آن جاری می‌شود. معابد زیادی در سراسر ایران برای احترام به نقش ایزدبانوی آب در ایران ساخته شده است که نمونه‌هایی از این معابد در شهرهای همدان، کازرون، آذربایجان، کرمانشاه و کنگاور است. جالب اینجاست که معابد الهه آناهیتا معمولاً در اطراف رودخانه‌ها قرار دارند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۳).

نخستین سند در باب تاریخ آبیاری ایران به پنج هزار سال قبل بازمی‌گردد. ایرانیان باستان نه تنها در ارتباط با دانش و فناوری در حوزه سازه‌های آبی شاخص بودند که در مدیریت و سامان‌دهی منابع آبی نیز سرآمد به شمار می‌رفتند. در روزگار ساسانیان و روزگاران پس از آن قانونی یکپارچه موسوم به «قانون نمک» در باب منابع آب ملاک عمل بود که از سوی گروهی متخصص که گماشته دربار بودند تدوین شده بود و سازمانی بر اجرای آن نظارت داشت. این نهاد قدرتمند ساخت سازه‌های آبی، کارکرد و نگاهداشت آنها را در کنترل خود داشت و همچنین مسائل تقسیم

در حفظ جان مینو از گزند شیطان دارند، از دوران ماقبل تاریخ تا به امروز همواره جایگاهی قوی در آثار هنری ایران داشته‌اند (ماهی چون در آب زندگی می‌کند مصداق آب و باران و طراوت و طراوت است. ماهی برای نشان دادن دریا و آب به کار می‌رود که به منبع باروری معروف است) (محمودی، ۱۳۸۰: ۴۳). شاه بر تخت نشسته و بانویی در مقابل اوست. لباس مواج و نوارهای پشت سرش شبیه آناهیتا است. شاه فرشاهی را با دست بلند کرد و بانو سه انگشت خود را به روش مرسوم آن دوره که احتمالاً نماد کردار نیک و گفتار نیک و پندار نیک بود. این نقش را به گونه ای دیگر تعبیر می‌کنند که پادشاه به بانو یا ملکه خود آناهیتا هدیه می‌دهد، در این حالت بانوی بلباس و تاج الهه به تصویر کشیده شده است (آورزمانی، ۱۳۸۸: ۵۶).

در نقش بهرام دوم و ملکه نفر اول سمت راست بهرام دوم و نفر بعدی همسرش؛ که برخلاف سنت تصویری در ایران باستان بزرگتر از شاه، در جلوی این دو بدن، ولیعهد در ابعاد کوچکتر حک شده است. سبزه بزرگتر نقش خانم نشان از وقار او دارد. نام این خانم «شاپوردختک» پسر عمومی بهرام بود. در برخی دیگر از سکه‌های ساسانی از او به عنوان «ملکه ملکه‌ها» یاد شده است. سر ملکه با آرایش و جواهرات قابل توجه کمی بالاتر از سر پادشاه قرار گرفته است. بهرام با یک دست شیرها را می‌کشد و شمشیر را به سوی شیر دیگر می‌برد. با دست دیگرش دست همسرش را برای حمایت گرفت. موهای این خانم بافته شده و تاج بر سر دارد. آرایش او جالب است، گردن‌بند و نحوه قرار دادن دستان ملکه دقیقاً مشابه برخی از تصاویر آناهیتا است. فردی که بین این دو قرار دارد، با کلاهی با علامت قیچی، شخصیت موبد ساسانیان است (همان، ۵۷).

در نقش نگاره در پرتله خسرو دوم، آخرین پادشاه بزرگ ساسانی که فر می‌گیرد، آناهیتا نیز آماده است فر را از اهورامزدا بدهد و آناهیتا در آن سوی خسرو پرویز حضور دارد. کاملاً مشهود است که موقعیت اهورامزدا در این صحنه یکسان است. همسان بودن آناهیتا و اهورامزدا در این صحنه نشان می‌دهد که الهه آب و دوشیزه پاک که مظهر برکت و باروری است در کنار پادشاه حضور دارد و به صورت نمادین از کوزه آب می‌ریزد و حلقه ای مروارید دارد. در دستش نشانه‌های آناهیتا مربوط به آب است و تاجی از مروارید بر سر و گردن بند مروارید دارد که همگی نشان‌دهنده آب

آیین‌های باران خواهی

- ۱- ساخت یک عروسک توسط کودکان و زنان یا جوانان یا گاه اهالی
- ۲- به طور جایگزین برگزیدن کسی از اهالی روستا و انتساب هویتی نمادین بدو
- ۳- دسته روی مکانی مقدس یا کوچه‌های آبادی یا حمل عروسک یا همراهی فرد برگزیده
- ۴- ریختن آب روی عروسک یا دسته روندگان یا شخصیت نمادین برگزیده
- ۵- خواندن نیایش یا آوازهایی در طلب باران
- ۶- هدیه گرفتن از اهالی

- ۷- پختن آش یا نان و نشان‌دار کردن آن و تقسیم خوراک آیینی
- ۸- زدن کسی که نشانه در سهم او از خوراکی است تا پیدا شدن یک ضامن (بهار، ۱۳۷: ۲۷۷).

نقش آناهیتا در ارتباط با عروسک

در آیین‌های باران خواهی که از کهن‌ترین سنت‌های فرهنگی و مذهبی ایرانیان به شمار می‌رود، عنصر آب و الهه مرتبط با آن، یعنی آناهیتا، نقشی بنیادی و مؤثر دارد. در این آیین‌ها، ساخت عروسک‌هایی که به عنوان نماد زاینده‌گی و طلب باران استفاده می‌شوند، همواره از مؤلفه‌های کلیدی مراسم بوده است. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که این عروسک‌ها بازتاب‌دهنده تجسم نمادین آناهیتا، ایزدبانوی آب‌ها، باروری و پاکی‌اند (کوپر، ۱۳۷۹: بهار، ۱۳۷۷).

عروسک در این آیین‌ها اغلب به صورت مونث ساخته می‌شود و با نام‌هایی چون «بوکه باران» در کردستان (هاشمی، ۱۳۸۵)، «چمچه خاتون» در آذربایجان (عاشورپور، ۱۳۸۷) یا «کولی قزک» در کرمانشاه (شمس، ۱۳۷۷) شناخته می‌شود. این عروسک‌ها که گاه از چوب یا چمچه و قاشق ساخته شده‌اند، لباس زنانه بر تن می‌کنند و در آیینی دسته‌جمعی توسط زنان یا کودکان در کوچه‌ها گردانده می‌شوند. در جریان این آیین، بر سر عروسک آب می‌ریزند و اشعاری در طلب باران می‌خوانند. این مراسم نه تنها نمایش یک نیایش عامیانه برای نزول باران است، بلکه به شکل نمادین، آناهیتا را به عنوان واسطه‌ای آسمانی برای فراخوانی ایزد باران، یعنی تیشتر، می‌طلبد (میرشکرای، ۱۳۸۴: برومند سعیدی، ۱۳۷۷).

آب میان مردم را حل و فصل می‌کرد. در ایران باستان انتقال آب از سرچشمه‌ها به مکان‌های استفاده و تقسیم صحیح آن همواره اهمیت داشت (برای مثال در شهر دراکان، حوالی فسا در استان فارس). در یافته‌های جغرافیایی به جای مانده از هفتصد تا هزار سال پیش شهری به نام دراکان یا دارکان وجود داشته است که در نقشه‌های فعلی موجود نیست. امروزه خرابه‌های شهری که با زلزله ویران شده در دوکیلومتری جنوب شرق روستایی به نام داراکو (تل نارنجون) واقع شده و محققان بر آنند که این همان شهر دراکان است.

آناهیتا و خشکسالی

ایران از دیرباز گرفتار خشکسالی بوده است چنان که داریوش در کتیبه خود در تخت جمشید از اهورامزدا می‌خواهد که ایران را در برابر خشکسالی و دروغ محافظت کند. اسطوره، اولین واکنش و تفکر انسان نخستین در برابر حوادث طبیعی است. چون بشر نخستین در شناخت عوامل این رویدادها دچار ابهام بودند، لذا عکس‌العمل آن‌ها همراه با ترس بوده است و همین ترس باعث می‌شد تا برای هر پدیده فوق طبیعی خدایی فرض کنند و به آن پناه ببرند. با گذشت زمان بیش از گذشته معلوم می‌شود که اسطوره‌ها منابع ارزشمند تاریخ یک سرزمین به شمار می‌آیند که می‌توانند سویه تاریک و ناشناخته گذشته را روشن کنند. آب در اسطوره آفرینش اقوام جزو نخستین آفریده‌های مادی ست و این به خاطر اهمیت این عنصر حیات‌بخش است. اهمیت آب نزد ایرانیان باستان تا به آنجاست که مورخان یونانی ستایش و تقدیس عنصر آب را به ایرانیان نسبت داده‌اند و گواه آن تاریخ هروودوت است که در آن هروودوت می‌نویسد: «ایرانیان آب را گرمی می‌دارند. برای آن‌ها مانند سایر عناصر مفید از قبیل آتش، باد و غیره فدییه و نیاز می‌آوردند. دست در آن نمی‌شویند و به کثافات آنرا آلوده نمی‌کنند» (عفیفی، ۱۳۷۴: ۴۰۳). نکته مهم در خصوص آیین آن است که کنش‌ها و معنای نمادین آنها توسط اجراگران به‌اختیار برگزیده نشده‌اند یا برخاسته از منطق یا ضرورت نیستند، بلکه توسط نیرویی بیرونی بدان‌ها تحمیل شده یا آن‌ها که به طور ناخودآگاه از سنت‌های اجتماعی به ارث برده شده‌اند (گریمز، ۱۹۹۴).

عروسک در این آیین‌ها را می‌توان نوعی بازنمایی از آناهیتا دانست که در اسطوره‌ها، نه تنها الهه آب، بلکه الهه باروری، زنانگی، پاکی و حیات نیز هست. همان‌گونه که در اوستا آمده، «اردوی سور آناهیتا» ایزدبانویی است که آب پاک و زندگی‌بخش را به جهان جاری می‌سازد و نگهبانی آن را بر عهده دارد (رضی، ۱۳۵۸). در این چارچوب، عروسک به عنوان تمثالی از این ایزدبانو، با بار نمادین فرهنگی و مذهبی، نقش زنده‌ای در آیین‌های مردم‌محور و بومی ایفا می‌کند.

از منظر انسان‌شناسی نمادین، این عروسک نه تنها کارکردی آیینی دارد، بلکه حامل مفاهیم چندلایه‌ای از ارتباط میان زن، زمین، باروری و مقدسات است. کوپر (۱۳۷۹) اشاره می‌کند که عروسک‌ها در فرهنگ‌های سنتی، اغلب بازنمایی الهه‌هایی هستند که با زایش، غله، آب و زندگی مرتبط‌اند. در آیین باران‌خواهی ایرانی نیز، این نقش به آناهیتا بازمی‌گردد که در باورهای عامه با مفهوم رحمت و بارش پیوند دارد.

همچنین بر اساس تحلیل‌های اسطوره‌شناسی، ارتباط آناهیتا با تیشتر ایزد باران، ساختار دوگانه‌ای از زن و مرد الهی را می‌سازد که نمادی از پیوند مقدس و حاصل‌خیز است. در اشعار محلی این آیین‌ها، عروسک یا دختر باران مخاطب قرار می‌گیرد و از او خواسته می‌شود تا باران را از تیشتر طلب کند. این نمایش آیینی، بازمانده‌ای از اسطوره‌های کهن زاینده‌گی و باروری است که در قالب فرهنگ عامه به حیات خود ادامه داده است (بهار، ۱۳۷۷؛ گریمز، ۱۹۹۴).

در نتیجه، عروسک آیین باران‌خواهی را می‌توان نماد زمینی آناهیتا دانست که در ذهن و باور مردم، واسطه‌ای میان زمین و آسمان، انسان و خداوند، و خشکی و باران تلقی می‌شود. این عروسک نه تنها نماینده درخواست باران، بلکه تجلی‌گاه احترام و نیایش به عنصر حیات‌بخش آب است که در فرهنگ ایران باستان، جایگاهی اسطوره‌ای و مقدس داشته است.

در کردستان که آیین باران‌خواهی با نام «بوکه باران» یعنی عروس باران برگزار می‌شود، دو تکه چوب را به شکل صلیب به هم می‌چسبانند و لباس سنتی خود را بر روی آن می‌پوشانند (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۵۲). در آذربایجان با استفاده از یک چمچه (آبگردان) و ساخت یک صلیب و پوشاندن لباس زنانه بر آن، عروسک را می‌سازند (عاشورپور، ۱۳۸۷: ۲۵). ساخت عروسک در گیالن هم با بهره‌گیری از یک قاشق است (میرشکرایی،

۱۳۸۴: ۴۶۲). گاه هم چون زنان بردسیر تنها به ساخت صورتکی اکتفا می‌کنند (برومند سعیدی، ۱۳۷۷: ۲۵۱-۲۵۵). در قوچان جوانان بر چوبی دو الی سه متری پارچه و گاه لباس می‌پوشانند و آن را چولی قزک (لباس چوب پوشیده) می‌نامند (میرنیا، ۱۳۸۱: ۱۸۴-۱۸۵). در کرمانشاه چوب بلند لباس پوشانده را که به هیات دختری در می‌آورند، کولی قزک می‌نامند (شمس، ۱۳۷۷: ۵۷).

در روستاهای زرد کرمان این مترسک را تالو می‌نامند (خلعتبری، ۱۳۸۷: ۸۷). جنسیت این عروسک‌ها معمولاً مونث است و او را عروس باران خطاب می‌کنند و واسطه‌ای است برای نزول باران. عروسک نماد بوده‌ای فرازمینی است و گاه آن را تصویر ایزد بانوی غله، مادر یا دوشیزه دانسته‌اند (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۵۸). در آیین‌های باران بی‌گمان بایستی پیوستگی‌ای میان عروسک و ایزدبانویی باشد که می‌تواند نقشی در باران‌سازی داشته باشد. از همین رو، بسیاری عروسک در آیین‌های باران خواهی ایران را نماد آناهیتا می‌دانند که ایزد آب و باروری است. از آن‌جا که تیشتر ایزد باران است پس در این آیین آناهیتا که همان عروسک آیین است باید تیشتر را راضی کند تا باران ببارد و از آن‌جا که عروسک را در اشعار عروس باران می‌نامند؛ احتمالاً در باورهای نانوشته مردمان پیوندی بین آناهیتا و تیشتر بسته شده است. این عقیده که زن همیشه به حمایت مرد نیاز دارد و تکامل وی با حضور و وجود مرد انجام می‌شده است؛ از همان ابتدا وجود داشته و تا امروز نیز رایج است. چنان‌که ایولین رید می‌گوید: «این نظریه که مردان در جامعه بر زنان برتری دارند، به دو ویژگی زیستی وابسته است: مردان اغلب بزرگ‌تر و عضلانی‌تر و ورزیده‌تر از زنان‌اند و زایش فرزند به عهده‌ی زنان است. از این رو این نظریه زنان را برای گذران زندگی و پشتیبانی از خود، بیچاره و وابسته به مردان پر زور و باهوش نشان می‌دهد» (رید، ۱۳۸۸: ۴۴).

دسته روی آیینی

در بیشتر آیین‌های باران خواهی دسته روی دیده می‌شود. گاه مقصد دسته روی کوی و برزن و کشتزار است؛ مانند آیین بوکه باران (هاشمی، ۱۳۸۵). گاه سوی امامزاده شهر یا روستا همچون چمچه خاتون (عاشورپور، ۱۳۸۷: ۱۲۵). دسته روی بیشتر در میان دختران و کودکان است و چون کودکان فطرت پاک و بی‌آلایش دارند از این رو نقش پررنگ‌تری دارند.

ریختن آب بر روی عروسک یا دسته‌روندگان

در بیشتر آیین‌های باران‌خواهی بر سر عروسک یا دسته‌روندگان آب می‌ریزند. این کردار نمادین و جادویی است. در انواع جادوها آمده است اگر می‌خواهید طبیعت کاری را بکند، خودتان آن را انجام دهید (بهار، ۱۳۷۷: ۲۷۷). این کار ریشه‌ای کهن دارد؛ انسان‌های شکارچی پیش از آن که به شکار بروند بر نقش حیوانات روی دیواره غارها؛ نیزه پرتاب می‌کردند و حال در این جا ریختن آب بر روی عروسک و رندگان نیز اشاره به برآورده شدن نیاز دسته‌ای است که در طلب بارانند. گاه حتی پیش می‌آید که آب را از بلندی می‌ریزند و این ریختن آب از پشت بام اشاره بر ریزش باران از آسمان دارد. درواقع این ریختن آب از بلندی جادو را تقویت می‌کند تا موثرتر عمل کند.

نتیجه‌گیری

آناهیتا به‌عنوان ایزدبانوی آب و باروری، در آیین‌های باران‌خواهی ایران باستان حضوری پررنگ دارد. این حضور هم در متون دینی اوستایی و هم در آیین‌های مردمی، با ساخت عروسک‌های آیینی و اجرای مراسم باران‌طلبی، قابل ردیابی است. بازتاب این باور در هنر دوره ساسانی، با نمادهایی چون کوزه، نیلوفر، کودک و پرندگان آبی، تصویری روشن از نقش آناهیتا در زندگی فرهنگی و مذهبی ایرانیان ترسیم می‌کند. بدین‌سان، این مقاله کوشیده است پیوندی میان اسطوره، آیین و هنر با محوریت آناهیتا برقرار کرده و سهم او را در پایداری فرهنگی و زیستی ایران باستان روشن سازد.

در متون تاریخی، به‌ویژه در «آبان‌یشت»، آناهیتا به‌عنوان ایزدبانوی آب، عشق و باروری ظاهر می‌شود. صفاتی مانند عشق، جنگ و باروری، تحت تأثیر الهه‌های ایشتار^{۱۳}، آفرودیت^{۱۴} و آتنا^{۱۵}، در آناهیتا نمود یافته است. اعتقاد به ویژگی‌های رزمی آناهیتا در متون اوستا (آبان‌یشت، کرده‌های ۶۵ و ۶۳) به چشم می‌خورد و توانایی این ایزدبانو در برابر دشمنان را یادآور می‌شود. پادشاهان افسانه‌ای ایران مانند فریدون، گرشاسب، کاووس، کی‌خسرو، ضحاک و دیگران، برای این ایزدبانو قربانی می‌کردند تا آناهیتا به یاری آنان بشتابد. بازنمایی آناهیتا بر اساس شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که او تحت تأثیر الهه‌های دیگر سرزمین‌ها بوده و از

جنبه‌های مثبت صفات آنان در بابل، یونان، هند و... بهره برده است. در ایران، آناهیتا الهه وفاداری به خانواده و عشق درون خانواده است، در حالی که ایشتار در بین‌النهرین و آفرودیت و آتنا در یونان و روم، مظهر عشق جمعی و جهانی بودند.

جلوه‌های هنرهای دیگر را می‌توان در جنبه‌های مادی آناهیتا مشاهده کرد. به‌طور مشخص، نمادهای الهه آناهیتا معمولاً به‌صورت تزئینی در اطراف مجسمه‌ها و نیم‌تنه‌های او یا به‌صورت کاملاً مستقل و در قالب نقوش تزئینی دیده می‌شوند. این نمادها عبارت‌اند از: میوه انار، نیلوفر آبی، گل رز، زنبق و نیم‌نخل (نصف برگ خرما) که گاه به‌شکل بال نیز تصویر می‌شوند. در نقوش گچ‌بری دوره ساسانی، این طرح‌های گیاهی به‌صورت جداگانه یا ترکیبی با یکدیگر استفاده شده‌اند. برخی از محققان، انار و نیلوفر آبی را نماد رفاه و مرتبط با الهه آناهیتا می‌دانند. نیلوفر در سنت ایرانیان، گل نور، آب و ظهور است که پیوندی ناگسستنی با مهر و ناهید دارد و زنبق را گل آناهیتا می‌دانند؛ بنابراین سوسن، نماد زندگی و باروری است و چون در آب می‌روید، به آناهیتا نسبت داده می‌شود.

جایگاه و منزلت زن در عصر ساسانی، از آناهیتا به‌عنوان الهه باروری، عفت و نگهبان آب‌های پاک، الگو گرفته شده است. بر اساس باور ایرانیان باستان، زن نمادی مقدس و حامل عشق، محبت، باروری، پاکی و زیبایی بود. زن در زمان ساسانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود تا آنجا که به مقام قداست و حکومت رسید. «نقوش سگ، گل نیلوفر، ماهی، اردک، کودک، نیلوفر آبی، انار، سرو و سدر، عقاب، لک‌لک، قو، قمری، کبوتر و نگاره‌های ساسانی از پادشاه، نقش بهرام دوم و ملکه، تاج‌گیری خسرو پرویز از آناهیتا در طاق‌بستان و نیم‌تنه‌های گچی الهه آناهیتا» را نمایانگر ناهید می‌دانند. بر روی ظروف و نگاره‌های ساسانی، این نمادها همراه با تصویر آناهیتا به‌وفور نقش بسته است. مدارک باستان‌شناسی و متون مقدس نشان می‌دهد که شکل انسانی الهه آناهیتا بر روی این آثار ترسیم شده است. هنر ساسانی، از زمان نرسی و در سنگ‌نگاره‌های نقش‌رستم و پادشاهان بعدی از قرن چهارم و به‌ویژه قرن پنجم، به تصویرگری این الهه توجه ویژه‌ای داشت. بنابراین، نقوش مربوط به آناهیتا در قرن چهارم به اوج خود رسید و در قرن پنجم نیز استمرار یافت.

¹⁵ Athena

¹³ Ishtar

¹⁴ Aphrodite

۳- تأثیر فرسایش بوده زیارد بسیاری از آثار به دلیل فرسایش و گذر زمان آسیب دیده‌اند و این موضوع می‌تواند تحلیل دقیق آن‌ها را دشوار کند.

۴- کمبود منابع مکتوب مستقیم است و اطلاعات درباره نقش آناهیتا در دوره ساسانی به صورت غیرمستقیم و از منابع ثانویه به دست می‌آید.

۵- انجام کاوش‌های باستان‌شناسی یا بررسی جامع تمام متون و آثار هنری نیازمند منابع مالی و زمان‌بندی گسترده است.

منابع

افخمی، بهروز؛ فرج‌زاده، صبا؛ حسینی‌نیا، سیدمهدی. (۱۳۹۵). بازنمایی الهه آناهیتا در شواهد باستان‌شناختی، زن در فرهنگ و هنر، ۸(۲): ۲۲۵-۲۴۸.

افضل طوسی، عفت‌السادات؛ حسن‌پور، مریم. (۱۳۹۱). نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه‌های بصری گرافیک معاصر ایران، فصل‌نامه مطالعات ملی، ۴۹(۱۳): ۱۳۵-۱۵۶.

آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۴). «آناهیتا» الگوی زن ایرانی با تکیه بر فرهنگ و هنر ساسانی، هنر و تمدن شرق، ۳(۸): ۲۵-۳۲.

باکاک، رابرت. (۱۳۸۶). صورت‌بندی‌های فرهنگی جامعه مدرن، ترجمه مه‌رهان مهاجر، تهران: آگه.

برومند سعیدی، علی. (۱۳۷۷). آیین‌های مردم ایران، تهران:

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

بهار، محمد. (۱۳۷۷). پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات آگاه.

پرهام، سیروس. (۱۳۷۱). دست‌یافت‌های عشایری و روستایی فارس، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

پورخالقی چترودی، مهدخت. (۱۳۸۱). درخت زندگی و ارزش زندگی و نمادین آن در باورها، مجله مطالعات ایرانی، ۱(۲۵): ۳۵-۴۹.

پورداد، ابراهیم. (۱۳۴۳). آناهیتا، تهران: انتشارات امیرکبیر.

پورداد، ابراهیم. (۱۳۶۶). یشت‌ها، به کوشش: بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.

جوادی، شهره؛ آورزمانی، فریدون. (۱۳۸۸). سنگ‌نگاره‌های ساسانی، تهران: بلخ.

چهری، محمداقبال. (۱۴۰۰). مطالعه باستان‌شناختی نقوش الهه آناهیتا بر روی گچ‌بری دوره ساسانی، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱۱(۳۰): ۱۹۹-۲۲۲.

مطالعه نقش آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی ایران باستان نشان می‌دهد که این ایزدبانو فراتر از یک موجود اسطوره‌ای، به نماد زنده‌ای از امید، باروری، زایش و حیات در فرهنگ ایرانی بدل شده است. بازنمایی او در قالب عروسک‌های آیینی با هویت زنانه، که در مراسم طلب باران گردانده می‌شوند، گویای استمرار باورهای عمیق دینی و فرهنگی ایرانیان به قدرت نیروهای طبیعت و نقش میانجی‌گرانه زنانگی مقدس در نیایش است. این باور نه تنها در آیین‌های مردمی، بلکه در هنر رسمی ساسانیان نیز مشاهده می‌شود؛ جایی که نمادهای بصری همچون کوزه، نیلوفر، انار، کودک و پرندگان آبی به تصویر کشیده شده‌اند و همگی بازتابی از شخصیت آناهیتا به عنوان نگهبان آب و ایزدبانوی باروری‌اند. به کارگیری این نمادها در هنر، آیین و زندگی روزمره ایرانیان، نشان‌دهنده نقش اساسی آناهیتا در شکل‌گیری نظام معنایی و زیبایی‌شناختی فرهنگ ایرانی است. این مقاله می‌کوشد با واکاوی این پیوند چندلایه، جایگاه والای آناهیتا را در اسطوره، آیین و هنر ایران باستان احیا و بازشناسی کند.

پیشنهادهای پژوهش

۱- استفاده از رویکردهای میان‌رشته‌ای، مانند مقایسه هنر دوره ساسانی با متون مقدس اوستا و تطبیق آن با یافته‌های باستان‌شناسی.

۲- تحلیل تأثیرات منطقه‌ای بر بازنمایی آناهیتا در هنر ساسانی، مانند مقایسه نقوش معابد بیشاپور و کنگاور.

۳- بررسی تکنیک‌های گچ‌بری، فلزکاری، و نقوش برجسته به منظور شناخت بهتر از مهارت‌های هنری دوره ساسانی.

۴- مقایسه بازنمایی ایزدبانوی آب با الهه‌های مشابه در تمدن‌های هم‌جوار، مانند ایشтар در بین‌النهرین یا آرتمیس در یونان.

۵- بهره‌گیری از فناوری‌هایی نظیر تحلیل تصویر و رادیوگرافی برای مطالعه نقوش و ساختار آثار.

محدودیت‌های پژوهش

۱- دسترسی محدود به آثار زیرا برخی آثار هنری و باستانی دوره ساسانی در موزه‌های خارجی یا در مناطق دورافتاده نگهداری می‌شوند.

۲- ترجمه‌ها و تفاسیر مختلف از اوستا ممکن است موجب تناقض در نتایج شود.

شمس، صادق. (۱۳۷۷). نگاهی به فرهنگ مردم کرمانشاه، تهران: فکر نو.

شهبازی شیران، حبیب؛ ستارنژاد، سعید؛ طهماسبی، فریبرز؛ معروفی‌اقدّم، اسماعیل. (۱۳۹۷). مظاهر و کارکردهای آناهیتا، الهه‌ی زن در ایران باستان (مطالعه‌ی نقش مایه‌های ظروف زرین و سیمین ساسانی حاوی نقش این الهه)، زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، ۱۰(۲): ۲۳۷-۲۶۲.

شوالیه‌گری، ژان؛ گربران، آلن. (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائلی، چ ۲، تهران: جیحون.

شین دشتگل، هلنا. (۱۳۸۲). صورت آب، کتاب ماه هنر، ۵۷(۵۸): ۱۲۶-۱۲۹.

صباغ‌پور، طیبه؛ شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۹). بررسی نقش مایه نمادین پرنده در فرش‌های صفویه و قاجار از نظر شکل و محتوا، مجله نگره، ۱۴(۲۵): ۳۹-۴۹.

عاشورپور، سعید. (۱۳۸۷). فرهنگ و آیین‌های بومی آذربایجان، تبریز: نشر اختران.

عاشورپور، صادق. (۱۳۸۷). نگاهی به مراسم باران خوانی چمچه خاتون، فصلنامه تخصصی تئاتر، ۴۲(۱): ۱۲-۲۹.

عبداللهی، فرشته. (۱۳۷۵). در باره آناهیتا، ادبیات و زبانها چیستا- ۱۲۶(۱۲۷): ۱۵۷-۱۶۸.

علم الهدی، هدی. (۱۳۸۲). آب در معماری ایرانی، تهران: انتشارات کتاب ماه و هنر.

کاظم‌زاده، پروین. (۱۳۹۲). تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری اعتقاد به ایزدبانوان در ایران باستان، پژوهش‌های ادیبانی، ۱(۲): ۷-۲۲.

کوپر، ج. (۱۳۷۹). دنمادها در اسطوره و فرهنگ، (محمدعلی مهریار، مترجم). تهران: مرکز.

گویری، سوزان. (۱۳۸۵). آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی، تهران: انتشارات ققنوس.

گیرشمن، رمان. (۱۳۵۰). هنر ایران، ترجمه: بهرام فره‌وشی، ج دوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

گیرشمن، رومن. (۱۳۷۰). هنر ایرانی در دوران پارسی و ساسانی. جلد دوم، ترجمه بهرام فره‌وشی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

محمدی‌فر، یعقوب؛ امینی، فرهاد. (۱۳۹۴). باستان‌شناسی و هنر ساسانی. تهران: انتشارات شایگان.

حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۴). نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایرانی، فصلنامه هنر، ۲۸(۳): ۳۵۵-۳۷۰.

خلعتبری لیماکی، مصطفی. (۱۳۸۷). آب، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه، تهران: صدا و سیما، جمهوری اسلامی، مرکز تحقیقات.

دادور، ابوالقاسم؛ منصوری، الهام. (۱۳۸۵). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران در عهد باستان، تهران: نشر کلهر و دانشگاه الزهرا.

داندامایف، م. آ. (۱۳۵۲). ایران در دوره نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.

دورانت، ویل. (۱۳۶۵). تاریخ تمدن (یونان باستان)، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، فتح‌الله مجتبائی و هوشنگ پیرنظر، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

رسولی، آرزو. (۱۳۹۱). آناهیتا در پارس (تحول مفاهیم، مناسک و سازمان دینی در عصر ساسانی)، رساله دکتری رشته تاریخ، تهران: دانشگاه تهران.

رضی، هاشم. (۱۳۸۱). دانشنامه ایران باستان، ج ۱، تهران: سخن.

رضی، هاشم. (۱۳۵۸). اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، تهران: انتشارات سروش.

رضی، هاشم. (۱۳۵۸). نیایش‌ها، برگردان فارسی ه نیایش اوستایی، چاپ دوم، تهران: انتشارات فروهر.

رضی، هاشم. (۱۳۶۲). فرهنگ نام‌های اوستا، ج اول، تهران: فروهر. ریاضی، محمد رضا. (۱۳۸۱). بافته‌ها و نقوش ساسانی، تهران: گنجینه هنر.

زارفا، میشل. (۱۳۸۴). اسطوره و رمان: جهان اسطوره‌شناسی، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز کتب دانشگاهی.

زیده‌های زادسیرم. (۱۳۶۶). ترجمه راشد محصل، تهران: مؤسسه تاریخ فرهنگی.

ژوله، تورج. (۱۳۸۱). پژوهشی در فرش ایران، تهران: یساولی.

سرفراز، علی‌اکبر؛ آوزمانی، فریدون. (۱۳۷۹). سکه‌های ایران، تهران: سمت.

شفیع زاده، الهه. (۱۳۹۸). نقش ایزد بانو آناهیتا بر دین زرتشتیان در دوره ساسانیان، چهارمین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، بیرجند.

شمس، محمد. (۱۳۷۷). فرهنگ عامه مردم کرمانشاه، کرمانشاه: بنیاد پژوهش‌های مردمی.

- محمودی‌فر، یعقوب؛ علیان، علمدار حاجی؛ ذیلی، عادل. (۱۳۹۲). ریشه‌یابی نقش‌مایه خوشه‌انگور و برگ مو در گچ‌بری‌های مسجد جامع نائین، مجله فن و هنر، ۱۱(۱): ۶۵-۷۹.
- محمودی، فتنه. (۱۳۸۰). بررسی نقوش تزئینی هنر دوره ساسانی به ویژه جام‌های فلزی و پارچه‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- معصومی، غلامرضا. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، ج ۲، تهران: سوره مهر.
- موسوی کوهپر، سید مهدی؛ یسن‌زاده، حمیده. (۱۳۹۰). بازتاب نمادین ایزد مهر بر ظروف مدالیون ساسانی، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۶۳-۱۷۹: (۲).
- موسوی حاجی، رسول. (۱۳۷۴). پژوهشی در نقش برجسته‌های ساسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی حاجی، سیدرسول؛ رستمی، هوشنگ؛ و مهرآفرین، رضا. (۱۳۹۸). پژوهشی بر شاخص‌ترین نقوش نمادین گیاهی در گچ‌بری‌های دوره ساسانی، مجله جامعه شناسی تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۱ (۲): ۸۵-۹۲.
- میرشکری، محمد علی. (۱۳۸۴). نماد و آیین در فرهنگ عامه ایران، تهران: فرهنگستان هنر.
- میرمحمودی، نیلوفر. (۱۳۸۰). «بررسی و طبقه‌بندی مفرغ‌های لرستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- میرنیا، سیدعلی. (۱۳۸۱). فرهنگ عامه مردم خراسان، مشهد: سخن گستر.
- نیبرگ، هنریک ساموئل. (۱۳۵۹). دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران: انتشارات مرکزی ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- هاشمی، رضا. (۱۳۸۵). فرهنگ و آیین باران‌خواهی در کردستان، سنندج: دانشگاه کردستان.
- هاشمی، واریا. (۱۳۸۵). بوکه باران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگارهای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- واندنبرگ، لویی. (۱۳۴۵). باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وپر، جی سی. (۱۳۷۹). فرهنگ نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- Ettinghausen, R. (1967). A Persian Treasure. *The Arts in Virginia*, 8, 28-41.
- Kroger, M., & Hobom, G. (1982). A chain of interlinked genes in the nin R region of bacteriophage lambda. *Gene*, 20(1), 25-38.
- MoussaviKouhpar, M., & Taylor, T. (2008). A Metamorphosis in Sasanian Silverwork: The Triumph of Dionysos?. *Current Research in Sasanian Archaeology, Art and History*, 127-136.
- Ricl, M. (2002). The cult of the Iranian goddess Anahita in Anatolia before and after Alexander. *Antiquit' vivante*, 197-210.
- Scerrato, U. (1966). Excavations at Dahan-I Ghulaman (Seistan-Iran) First Preliminary Report (1962-1963). *East and West*, 16(1/2), 9-30.
- Sebesta, J. L. (1997). Women's costume and feminine civic morality in Augustan Rome. *Gender & history*, 9(3), 529-541.